

آینده نگاری تمدن نوین اسلامی

آینده‌نگاری کنشی آگاهانه، ارادی، فعالانه و هدفمند برای ساختن آینده مطلوب و مرجح است و بر این فرض استوار است که انسان به عنوان کنشگری فعال می‌تواند آگاهانه آینده مطلوب خود را انتخاب کند و برای رسیدن به آن تصمیم بگیرد و فعالانه برای ساختن آن تلاش کند و آن را بسازد. بنابراین آینده‌نگاری فرایندی است که از مطالعه آینده‌های ممکن و محتمل شروع می‌شود، و با انتخاب آینده مرجح به عنوان آینده بدیل هزاران آینده محتمل، و راهبردپردازی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن ادامه می‌یابد، و به بکار بستن مجموعه ظرفیت‌ها، امکانات و ابزارها و توانمندی‌ها برای شکل دادن آینده، و نظارت و ارزیابی، و تأیید یا بازنگری در فرایند ساختن آینده مطلوب منتهی می‌گردد. این فرایند پنج مرحله به شرح زیر را در بر می‌گیرد.

مرحله اول: مطالعه دقیق وضع موجود و نگاشت موضعی که در آن قرار داریم. در این مرحله تلاش می‌شود تا ضمن توصیف و ترسیم دقیق وضع موجود، تمام نیروها و عواملی که در شکل‌گیری و ساختن وضع موجود دخیل و موثر بوده‌اند شناسایی شوند. شناخت پیدا کردن از این نیروها و عوامل از آن نظر حائز اهمیت است که امکان و امتناع تداوم یا تغییر وضع موجود، به وجود یا حذف آنها بستگی تام و تمام دارد.

مرحله دوم: شناسایی دقیق آینده‌های محتمل و مجموع آینده‌های بدیل. در این مرحله با توجه به نشانه‌های ثبات و تغییر مجموعه آینده‌های محتمل و در حال وقوع شناسایی می‌شوند و تلاش می‌شود تا از بین آینده‌های محتمل، محتمل‌ترین‌ها که امکان وقوع بیشتری دارند معرفی شوند. مطالعات آینده‌پژوهانه در این مرحله به طور عمده بر شناسایی عوامل و نیروهای ثبات‌ساز و تغییردهنده استوار است. زیرا با شناسایی این عوامل و نیروها است که می‌توان به احتمال تغییر و امکان شکل-گیری آینده‌های محتمل پی برد.

مرحله سوم: انتخاب آینده مرجح از میان آینده‌های محتمل، و نگاشت آینده مطلوب. با توجه به ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها و باورهای متفاوت انسانها و جوامع هر آینده محتملی نمی‌تواند برای همه مطلوب باشد. از این روست که در فرایند آینده‌نگاری باید دست به انتخاب زد و با توجه به سازگاری هر یک از آینده‌های محتمل با ارزش‌های خود آینده مرجح را برگزید و یا مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب خود، آینده بدیل مطلوب خود را به تصویر کشید و خلق کرد.

مرحله چهارم: راهبردپردازی، سیاستگذاری و طراحی نقشه راه برای رسیدن به آینده مطلوب. در این مرحله از آینده‌نگاری با این فرض که «آینده مرجح و مطلوب قابلیت ساخته شدن دارد و می‌توان آن را ایجاد کرد» برای آینده‌سازی تلاش و برنامه‌ریزی می‌شود. طراحی راهبرد و نقشه راه مناسب و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای شکل دادن و ساختن آینده مرجح و مطلوب گامی بسیار مهم است که با فراهم کردن امکان بکارگیری نیروها، سرمایه‌ها و ابزارها می‌تواند هدف آینده-نگاری را محقق سازد.

مرحله پنجم: نظارت، ارزیابی و اصلاح و تأیید. پویایی و سیالیت امور و تغییرات مستمر و بی‌در پی از یک سو و بروز و ظهور پدیده‌های جدید و نوظهور و وقوع شگفتی‌سازها عواملی هستند که راهبردها، سیاست‌ها، رهنگاشت‌ها و برنامه‌های طراحی شده را تحت تأثیر قرار می‌دهند و با تاثیراتی که به جا می‌گذارند می‌توانند شکل‌گیری آینده مطلوب را تحت‌الشعاع خود قرار دهند. از این رو پایش و نظارت و ارزیابی مستمر و دائمی برنامه‌ها و فرایند آینده‌نگاری ضروری است. این پایش با این هدف صورت می‌گیرد که اگر لازم است، حرکت به سمت آینده مطلوب در چارچوب مسیر طراحی و تعیین شده ادامه یابد و تأیید و تقویت شود، و یا اگر نیاز دارد اصلاح و بازنگری گردد.

آینده‌نگاری فرایند یکپارچه است و ذکر این مراحل به معنای آن نیست که حتماً باید به ترتیب طی شوند و تقدم و تاخر بر آنها حاکم است. دسته‌بندی این مراحل برای مشخص شدن و عینی کردن فعالیت‌های آینده‌نگارانه است و ممکن است، بویژه در آینده‌نگاری‌های کلان و راهبردی، این مراحل به موازات هم و همزمان و با تقسیم کار بین بخش‌ها و حوزه‌های مختلف طی شود.

با تعریفی که از آینده‌نگاری وجود دارد آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی کنشی آگاهانه، ارادی، فعالانه و هدفمند برای ساختن تمدن نوین اسلامی به عنوان تمدن مطلوب و مرجح جمهوری اسلامی ایران است. اسناد بالادستی و دیدگاه‌های رهبران و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که آنها به صورت صریح و ضمنی تمدن‌سازی و ایجاد تمدن

نوبین اسلامی را به عنوان هدف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند. پیگیری این هدف و تحقق آن کار بزرگ و عظیمی است که گستره زمانی، مکانی و موضوعی وسیعی را در بر می‌گیرد. از این رو نیازمند آینده‌نگاری راهبردی و یکپارچه، در سطحی کلان است. با توجه به مراحل پنج‌گانه آینده‌نگاری، برای آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی تعیین دستور کار مطالعاتی و اولویت‌های پژوهشی برای مراکز علمی و پژوهشی به شرح زیر ضروری است.

۱. مطالعه گذشته، حال و آینده تمدن اسلامی. با این مطالعات می‌توان نیروها و عواملی را که در سطح داخل و خارج از جهان اسلامی به اوج و فرود تمدن اسلامی کمک کرده‌اند شناسایی کرد و در عین حال به نیروها و عواملی که می‌توانند بر آینده تمدن اسلامی تاثیرگذار باشند پی برد. با این مطالعه می‌توان آنچه را که باید حفظ کرد شناخت و آنچه را که باید تغییر داد یا رها کرد معرفی نمود.

۲. مطالعه احتمالات پیش رو به ویژه با شناخت وضعیت تقابل و تعامل تمدنی. مطالعات این حوزه کمک می‌کند تا آینده‌های تمدنی بدیل به درستی ترسیم گردد. با ترسیم آینده‌های بدیل تمدنی می‌توان وضعیت‌های احتمالی تقابلی و تعاملی بین تمدن‌ها را مشخص کرد. با نگاشت این وضعیت‌ها امکان انتخاب‌های مرجح و گریز از غافلگیری‌ها فراهم می‌گردد. در چنین وضعیتی می‌توان به تقویت وضعیت‌های احتمالی که به شکل‌گیری وضع مطلوب تمدنی (تحقق تمدن نوبین اسلامی) کمک می‌کنند پرداخت و با تضعیف بدیل‌های رقیب امکان تحقق آنها را که می‌توانند مانع شکل‌گیری تمدن نوبین اسلامی شوند محدود ساخت.

۳. ترسیم و تصویر دقیق ابعاد و اجزاء آینده تمدنی مطلوب، اولویت مطالعاتی دیگری است که باید در فرایند آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی به آن پرداخته شود. تصویرپردازی از تمدن نوبین اسلامی به عنوان تمدن مطلوب به گونه‌ای جذاب و باورپذیر که کشش لازم برای حرکت و اقدام در مسیر رسیدن به آن را ایجاد کند ضروری است. ارائه تصویری مبهم و بدون جذبه و غیرقابل‌باور نمی‌تواند منجر به حرکت جمعی ذینفعان برای ساختن آن شود. از آن رو است که لازم است بخشی از مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی به نگاشت تمدن نوبین اسلامی اختصاص یابد و طی آن تلاش شود تا ابعاد و اجزا آن به خوبی ترسیم و شناسانده شود.

۴. ارائه راهبرد، تدوین سیاست‌ها و سیاستگذاری، ارائه ره‌نگاشت و برنامه‌های راهبردی با هدف کمک به فرایند آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی اولویت دیگری است که پیش روی مراکز مطالعاتی و پژوهشی قرار دارد. این مراکز به ویژه مرکزی که به مطالعات آینده پژوهی و راهبردی می‌پردازند لازم است تلاش خود را بر پژوهش‌ها و مطالعاتی معطوف سازند که می‌توانند مسیر حرکت به سمت تمدن نوبین اسلامی را مشخص و هموار سازند. با این مطالعات می‌توان چگونگی رسیدن به تمدن نوبین اسلامی را پیشنهاد و تجویز نمود.

۵. مطالعات آسیب‌شناسانه، و نقادانه درباره‌ی راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی که صورت گرفته است، بخش دیگری از اولویت‌های پژوهشی در زمینه آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی به حساب می‌آید. با این مطالعات می‌توان به ضعف‌ها و قوت‌ها، و فرصت‌ها و تهدیدهای فرایند طراحی و اجرای آینده‌نگاری پی برد و با اصلاح و بازنگری مداوم روند آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی و راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با آن، بر توانمندی‌های خود برای ساختن آینده تمدنی مطلوب افزود.

مجله آینده‌پژوهی ایران با توجه به رویکردهای آینده‌پژوهانه آن و با توجه به اینکه آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی را کنش جمعی مجموعه ذینفعان (نه تنها در سطح ملی بلکه در سطوح جهان اسلام و بین‌المللی) می‌شناسد، شماره سوم خود را به موضوع آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی اختصاص داده است. از این رو مقالاتی را که هر کدام به یکی از اولویت‌های پژوهشی آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی مرتبط بوده، برای چاپ و انتشار برگزیده است. در این جهت دبیرخانه هفته علمی تمدن نوبین اسلامی نیز با هدف حمایت از ترویج ادبیات در زمینه آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی، مقالاتی را که به مناسبت دومین هفته علمی تمدن نوبین اسلامی به کمیسیون آینده پژوهی و آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی این دبیرخانه ارسال شده بودند، در اختیار نشریه قرار داد. ضمن تقدیر از دبیرخانه هفته علمی تمدن نوبین اسلامی بابت حمایت از انتشار این شماره، امید است انتشار این شماره بتواند به دانش موجود در زمینه آینده‌نگاری تمدن نوبین اسلامی بیفزاید، و به تقویت و تحکیم تلاش‌هایی که برای ساختن آینده تمدنی مطلوب صورت می‌گیرد منجر شود.

دکتر حاکم قاسمی

سردبیر دوفصلنامه آینده پژوهی ایران